

چون شیخند کو بیند که ترا پنهانی باید کوئی مشخر کردن شما و خاتم شما بر سرت کشیده باشد پرونگ زند و بتو
 نام بزرگترین فیضان طلود رسملک است و بر جمله پریانی که ریافت کشیده آنده و عالم اندزاد کار
 وجود ادان و ترسپایان مکان مقدم است و بر احوال اهل علم در دو قایق علوم وضعیت شیرین
 و علم موسيقی و علم افسر و علم طب و علم حجت و بعض حلو عقد و ریاست و حل و عقد مطلع اند جمله را تقویت
 و مجموع با حشم خود پایند و شکرایشان چهل هزار پی بذکر برگزیده دیگر شکر نداشته و مجموع علم نکند آن
 و شب در خدمت تو بسر برد و به رحمة فرمایی طاحت کشیده و این قیمه نعایت بزرگ است
 زهنا رخاتم ایشان را بکسخی که بد باد شد و من این را بعایت خنجر کردم تا سلطان را داده که بهم اراده
 که من بخوبی بدهم مشقت کشیده ام و چون بعمل اورده ام و طول اعمال اکه و صفت شوان بود اختصار
 بوده ام تا وقت عمل خاتم معلوم کرد و زهنا رکه محافظت تمام نمایی باشد بپیش آیی که بعایت رزک
 و غطیم از موده است مثل نهارد و من بعد از قشیر کردن پیار چین مختصر نوشتم و توفیق یاقم بطفت الله
 و لفظ خاتم ایست سی و ۱۰۵ ۲۲ سی و ۱۰۴ و عنیت ایست بسم اللہ الرحمن الرحيم

عزت علیکم یا طلحوش مع ابا الحسن حق عوطوث عرونوش طوشن اشر با ایتم العالی العظیم طوشا مشاش
 مشاهد طفیل عذر طیوت از ما میش احب دعویی یا زهد البحن حق مولعوی شلوع شای ایجبوی
 و احضره فی بحریه این الا پسماں العظام و حق هن الطیمات المبارکات و حق حنک القادر و حق قاهر
 الیوم الذي یس کمثله شیع موسیع البصیر و محمد و الله عذیلهم السلام

۲

